

# تاریخ قاجاریه

به قلم

امامقلی میرزای قاجار

به کوشش

علیرضا نیک‌نژاد

فهرستوبسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

|                         |                                                                      |
|-------------------------|----------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه                 | قاجار، امامقلی بن بدیع الزمان، ۱۲۹۸ق.                                |
| عنوان و نام پدیدآور     | تاریخ قاجاریه/تالیف امامقلی میرزای قاجار؛ به اهتمام علیرضا نیک‌نژاد. |
| مشخصات نشر              | تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۴۰۰.                                        |
| مشخصات ظاهری            | ۲۶۶ ص.: نمونه: ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.                                        |
| شابک                    | ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۸۷-۶۸-۹                                                    |
| وضعیت فهرست نویسی       | فیا                                                                  |
| یادداشت                 | کتابنامه.                                                            |
| موضوع                   | ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ق.                            |
|                         | Iran -- History -- Qajars, 1779 - 1925                               |
| موضوع                   | ایران -- تاریخ -- متون قدیمی تا قرن ۱۴                               |
|                         | Iran -- History -- Early works to 20th century                       |
| شناسه افزوده            | نیک‌نژاد، علیرضا، ۱۳۵۶-، گردآورنده                                   |
| رده بندی کنگره          | DSR۱۳۱۱                                                              |
| رده بندی دیویی          | ۹۵۵/۰۷۴                                                              |
| شماره کتابشناسی ملی     | ۸۵۰۴۲۲۶                                                              |
| اطلاعات کتب و کتابشناسی | فیا                                                                  |



نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، شماره ۳۴، تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰

## تاریخ قاجاریه

امامقلی میرزای قاجار

به کوشش: علیرضا نیک‌نژاد

|                               |                         |
|-------------------------------|-------------------------|
| حروفچینی، صفحه‌آرایی و نظارت: | نشر تاریخ ایران         |
| طرح جلد: فریبا علایی          | چاپ و صحافی: الغدیر     |
| چاپ اول: ۱۴۰۰                 | تیراژ: ۱۰۰۰             |
| شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۸۷-۶۸-۹       | ISBN: 978-600-8687-68-9 |
| قیمت:                         | ۷۰۰۰۰ تومان             |

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

Website: [nashretarikheiran.com](http://nashretarikheiran.com)

Instagram: [com/nashretarikheiran](https://www.instagram.com/nashretarikheiran)

Telegram channel: [@nashretaarikh](https://www.t.me/nashretaarikh)

Email: [nashretarikheiran@gmail.com](mailto:nashretarikheiran@gmail.com)

## فهرست مطالب

|     |                                                                     |
|-----|---------------------------------------------------------------------|
| ۱۱  | مقدمه                                                               |
| ۱۱  | خاندان مؤلف و شرح حال او                                            |
| ۲۲  | منابع امامقلی میرزا در تألیف تاریخ قاجاریه                          |
| ۲۶  | تاریخ تألیف و کلیات تاریخ قاجاریه                                   |
| ۲۸  | دلیل تألیف تاریخ قاجاریه                                            |
| ۲۹  | نسخه‌شناسی تاریخ قاجاریه                                            |
|     | بدو طلوع ایل جلیل قاجار نقل از تاریخ مآثر سلطانی آقای عبدالرزاق بیگ |
| ۳۴  | دنبلی                                                               |
| ۳۶  | شرح منقول از تحفه ناصری که از اکسیرالتواریخ نقل نموده               |
| ۴۶  | شرح منقول از شمایل خاقان                                            |
| ۵۳  | ذکر اولاد اغوزخان و احوال احفاد ایشان                               |
| ۵۷  | ذکر فرزندان اغوز                                                    |
| ۶۰  | فرزندان امی‌خان که دویم پسر ارغون‌خان است چهار نفرند                |
| ۶۱  | فرزندان یلاذر چهار نفرند                                            |
| ۶۹  | نسب جهانشاه                                                         |
| ۱۳۷ | محاربه سردار قاجار با رومیان فتح آن ولایت                           |

- ۱۶۶ ذکر مقدمات شر و شور به افسوس دولت علیه ایران و ...
- ۱۶۶ ذکر مقدمات شر و شور به افسوس دولت علیه ایران و مجادله با دولت بهیئة روس
- ۱۶۶ ذکر مقدمات شر و شور به افسوس دولت علیه ایران و ...
- ۱۷۳ ذکر مختصری از احوال دولت روس بر سیل ایجاز
- ۱۷۷ وقایع سنه هزار و دویست و چهل و یک هجری
- ۱۸۰ ذکر قلعه شوشی و وقایع ایام تحصن رومیه و غیره و غیره
- ۱۸۲ وقایع سنه هزار و دویست و چهل و دو شکست اردوی امیرخان و قتل او
- ۱۸۲ ذکر شکست لشکر ایران و شهادت امیرخان
- ۱۸۴ ذکر محاربه گنجه
- ۱۸۵ مصاف نایب السلطنه با جنرال پستویچ در مقبره شیخ نظامی علیه الرحمه و شکست لشکر ایران و گذشتن از رود ارس
- ۱۸۶ ذکر احوال شیخعلی میرزا و لشکری آن طرف رود گر بودند
- ۱۸۷ ذکر آمدن لشکر روس بر سر قلعه ایران بار اول
- ۱۹۰ ذکر جنگ نایب السلطنه با سواره قزاق
- ۱۹۱ ذکر مراجعت خاقان به دارالخلافه طهران و گزارشات مناسب آن اوان
- ۱۹۲ ذکر آمدن ینارال ارسطوف به تحریک مرندیان و سایر نزدیکان آذربایجان و گرفتاری آصف الدوله اللهیارخان قاجار
- ۱۹۴ ذکر فتح نمودن رومیه قلعه ایروان را و خرابی دولت علیه ایران
- ۱۹۴ ذکر حالات نایب السلطنه و اردوی و قریه شندآباد ارونق
- ۱۹۶ ذکر ورود نایب السلطنه به تبریز و احوالات اهالی آن خطه بهجت انگیز
- ۲۰۱ ذکر وقایع بعد از مصالحه و آرامش ملت ایران
- ۲۰۲ ذکر قتل سفیر روس پس از کسر میرزاگریبایدوف

|     |                                                               |
|-----|---------------------------------------------------------------|
|     | ذکر رفتن خسرومیرزا به عنوان عذرخواهی به رومیّه و حرکت         |
| ۲۰۳ | بی موقع میرحسن خان طالش                                       |
| ۲۰۴ | ذکر سفر خاقان خلدآشیان به طرف فارس و بروجرد و ممالک عراق      |
| ۲۰۵ | ذکر واقعه عجیب و نبرد شاهزادگان عراق با وجود سلطنت سلطان آفاق |
|     | ذکر استقلال عبدالرزاق خان و وقایع سنه هزار و دویست و چهل و    |
| ۲۰۶ | شش هجری و بعد                                                 |
| ۲۰۷ | ذکر نظم خراسان و رفتن نایب السلطنه به آن سامان                |
|     | ذکر مأموریت نایب السلطنه به خراسان و مرخص شدن از خدمت         |
| ۲۰۸ | خاقان بلندمکان                                                |
| ۲۰۹ | ذکر کیفیات کرمان و یزد در غیاب نایب السلطنه                   |
| ۲۱۰ | ذکر ورود نایب السلطنه به خراسان و گرفتن قلعه سلطان میدان      |
| ۲۱۱ | ذکر فتح امیرآباد و قوچان                                      |
| ۲۱۳ | ذکر احوال کرمان و یزد و عراق                                  |
| ۲۱۴ | ذکر تنمّه امور خراسان                                         |
| ۲۱۴ | ذکر وقایع سنه یکهزار و دویست و چهل و نه                       |
| ۲۱۶ | ذکر وقایع خراسان و رفتن نایب السلطنه از طهران به آن سامان     |
| ۲۱۶ | وفات نایب السلطنه                                             |
| ۲۱۹ | ذکر وفات خاقان خلدآشیان                                       |
| ۲۲۵ | [یادداشت کاتب]                                                |
| ۲۲۷ | نمایه                                                         |

## مقدمه

### خاندان مؤلف و شرح حال او

نام مؤلف چنانکه کاتب تاریخ قاجاریه می‌نویسد، امامقلی میرزا از شاهزادگان قاجاری است. پدرش بدیع‌الزمان میرزا نام داشت و جدش محمدقلی میرزای ملک‌آرا بود. با وجود اطلاعات نسبتاً مکفی در مورد پدر و جدش، در مورد خود امامقلی میرزا اطلاعات چندانی در دست نیست و می‌توان گفت که از شاهزادگان تقریباً گمنام قاجاری است و چنانکه خواهد آمد، به نظر می‌رسد خانواده بدیع‌الزمان میرزا به سبب توطئه علیه محمدشاه از نظرها افتادند و این موضوع می‌تواند عدم توجه به این خانواده و نیز دلیل گمنامی امامقلی میرزا بوده باشد. بنابراین مختصر اطلاعاتی که در مورد وی وجود دارد، مأخوذ از منابعی چون تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز اثر نادر میرزا برادر او<sup>۱</sup> و تاریخ قاجاریه تألیف امامقلی میرزا است.

از تاریخ و محل تولد امامقلی میرزا بی‌اطلاعیم و چنین به نظر می‌رسد که امامقلی میرزا دوران کودکی را زمانی که پدرش بدیع‌الزمان میرزای ملقب به اسپهبد، صاحب‌اختیار استرآباد در رکاب پدرش محمدقلی میرزا ملک‌آرا حکمران دارالمرز

۱. نادر میرزا، تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز، ستوده، ۱۳۷۳. لازم به ذکر است که نادر میرزا اشاراتی غیرمستقیم به این موضوع دارد. برای بررسی بیشتر بنگرید به مقاله تاریخ‌نویسی شاهزادگان قاجاری نمونه‌ای از نسب‌نامه ایل قاجار نمونه‌ای تاریخ‌نویسی، سیما سالور، پیام بهارستان، د ۲، س ۲، ش ۷، بهار ۱۳۸۹، صص ۲۵۲-۲۳۱.

مازندران بود، در مازندران به سر می‌برده و گویا بعد از مرگ مادرش از مازندران مهاجرت کردند و بعد از برکناری ملک‌آرا به جرم همدستی با مدعی تاج و تخت و توطئه علیه شاه جدید (محمدشاه) به همراهی گروهی از شاهزادگان همچون جهانگیرمیرزا صاحب تاریخ نو، به اردبیل تبعید شدند و بعد از مدتی به تبریز فرستاده شدند و حبس نظر گردیدند و در اواخر حیاتش در تبریز تصمیم می‌گیرد دست به تألیف تاریخ قاجاریه بزند، چنانکه در انجام کتاب، این داستان و نقش قائم مقام در جریان دستگیری و کورکردن شاهزادگان را به تصویر می‌کشد: «اگرچه نواب جهانگیرمیرزا در تاریخی<sup>۱</sup> که خودشان زحمت کشیده در ایام بیکاری در ملایر اوقات می‌گذرانیده‌اند، حالات آن اوقات را نوشته‌اند. نسبت لشکرکشی و خیانت و نکث عهد به مرحوم محمدتقی میرزای حسام السلطنه و نسبت‌ها از روی تهتم به مرحوم شیخعلی میرزا و حشمت الدوله و سایر داده‌اند، ولی اشهد الله و ملائکت که این بنده بی‌یضاعت که در تبریز بوده شب‌ها و اغلب روزها جمع شده صحبت می‌کردند مکرر مسموعم گردید که بعد از اینکه خاقان بر و بحر منصب ولعهدی را به شخص سلطان زمان موکول فرمودند همه قبول نموده و متعهد خدمت شد. بی‌خبر از کید اعدای به طهران آمده، به خدمت سلطان تشریف جست نهایت چشم امید داشتیم که مثل عهد خاقان ولایت و محل حکومت قدیمه به خودمان محوّل شود و میرزا ابوالقاسم فراهانی از طرفی و اللهیارخان از طرفی محض داعیه وزارت ایران ما را متهم نموده محبوس شدیم و ممکن است که گفته آن بزرگان بی‌شایبه کذب بود، زیرا که مثلاً حشمت الدوله محمدحسین میرزا را که صاحب ثروت و مکتب بود، چه داعی شده بود که با ظهور فتنه از سرحد عراق کالباحث عن حفته مبالغه با آن همه نفاق که نوشته‌اند خود را به مجالست ابد جباری گرفتار ساخته سر از پا نشناخته به طهران آید و کذالک مرحوم حسام السلطنه محمدتقی میرزا و شیخعلی میرزا حق این ست که در آن فترت و اغتشاش حرکتی قبح نکرده متوکلا علی الله به در خانه پادشاه آمدند، إلاً فی الجملة

حرکت مذبحی از حسنعلی میرزا و حسینعلی میرزا سر زد که مورخین نوشته‌اند من در عجم از مرحوم مورخ جلیل نبیل رحمت الله علیه که با وجودی که خود اثر نیشتر اتهام را دیده و تلخی صهبای افترا را چشیده بودند، چگونه آن امور مشهوره به ایشان مشتبه شده بوده است والله اعلم. چون سلطان زمان غازی محمدشاه رحمته الله علیه از وقوع رحلت خاقان خلدآشیان مخبر شدند و خبر رسید که علیخان المقلب به ظل السلطان تاج گذاری کرده و به خزاین شاهی دست اندازی نموده امر به اجتماع سپاه فرموده با هفت هشت هزار نظام و سوار به طرف دارالخلافه در حرکت آمده شاهزادگان صاحب افسر متدرجاً بی تاج و کمر به خدمت تشرّف جسته در وهله اول جهانگیر میرزا و خسرو میرزا به مظنه خلاف یا اصرار قائم مقام و یا اصرار مهدعلیا والدۀ حضرت شاهی از بصیرت عاجز ساخته و بعد از ورود به مقر خلافت ابدی از اولاد خاقان در مقر حکومت ننماید، مگر فرمانفرما و حسنعلی میرزا که بعد از کمر و فر گرفته کشته، حسنعلی میرزا را معیوب فرموده. دیگر هیچ یک از اولاد خاقان ضرری به جان و مال نرسانیده و اغلب اوقات به همان قاعده خاقانی در سر سفرۀ خردان احسان شاه جهان حاضر می شدند. قضیه عبرت انگیز قتل وزیر ارسطوتدبیر میرزا ابوالقاسم شهیر به قائم مقام اگرچه در کتب انساب سیادت این دودمان را نوشته‌اند، اما سیادت این طایفه اشتها کلی دارد و در اینکه پدرش و خودش به نایب السلطنه مرحوم و شاه مرحوم مدت های کلی خدمت کرده اند شکی و شبهتی نیست و محتمل است که به جهت رضاجویی خاطر ولی نعمت هزار خانه داده را در ایران ویران و بی سامان نموده باشد و اینکه بعضی نوشته‌اند خود او خیالی در سر داشت از ثقات مسموع نشده و اگر عاقل بخواهد در قتل او علتی جوید، از علت قتل برآمده خواهد فهمید همان علت قتل میرزا ابوالقاسم شده او مردی مستهز و فحاش و هرزه درای بود و پسرش میرزا محمد دیوانه از مجانین محسوب می شد و چنانچه معلوم می شود، در اواخر مختلط شده بود و حرف هایی که بسیار مکنون بود به هر بی سر و پای آشکار می ساخته و برخی برآند که در عهد نایب السلطنه و جوانی شاه جهان را در لوازم

خیلی سختی داده بودند، بدین جهت کشته شد. الحاصل او را گرفته خپه کردند و بعد از مدتی جناب حاجی میرزا آقاسی که ذکرش در اوّل گذشت و در کجا به خدمت شاه رسیده معروف گردید، وزیر ایران گردیده، مردم را از دفع قائم مقام چندان بد نیامد، زیرا که مدار خیر و شر بود و البته شرش زیادتیر بود.»

مرتضی قاجار، امامقلی میرزا را از شاهزادگان با سواد و کمال و متخلّق به اخلاق و منفرد شمرده و می گوید که در اواخر عمر سودا بر مزاج او غالب شد و در حالت شوریدگی وفات کرد: «مخفی نماناد که مورخ این کتاب نواب امامقلی میرزا ولد بدیع الزمان میرزای ملقب به صاحب اختیار ولد محمدقلی میرزا الملقب به ملک آرا ولد خاقان خلدآشیان فتحعلی شاه مغفور طایفه ثراه می باشد. خود نواب مورخ شاهزاده باسواد و باکمال و حسن خلق را با سایر صفات مرضیه جمیع داشت و در حقیقت در میان شاهزادگان آذربایجان فرد و از هر جهت تمام بودند و با این کتاب خاکسار مرتضی قاجار گذشته از سمت عمزادگی یک نوع برادری و محبت و رفاقت مخصوص داشتند که مخصوص خودشان بوده ربطی به سایرین نداشت ...»

امامقلی میرزا از طرف مادر نیز منسوب به قجرها و فرزند محمدتقی میرزا حسام السلطنه است: «و از ثقافه مسموع شده و به جهت این بنده صحت آن اقوال ثابت شده که خاقان جنت مکان دو سه سال بود که مکرّر از فوت نایب السلطنه و ولیعهدی سلطان زمان محمدشاه و وفات خودشان را گناه تصریحاً و گناه تلمیحاً مذاکره می فرمودند و از آن جمله بعد از اتمام مضجع در کمال قوت قلب خرامان خرامان چون ماه تابان و قرّ شاهان بدان محل تشریف برده به قدر دو ساعت نجومی با چاکران دربار نصایح و سخنان وعظ و زجر القا فرموده در کمال بسط و خرمی به منزل عود فرمودند و از دارالایمان به اصفهان تشریف برده فرمانفرما در آنجا به حضور رسیده به حساب مالیات فارس رسیدگی شده، معلوم گردید والی معزی الیه چهارصد هزار تومان مالیات نقد را بالمره بلع نموده و فلوسی ندارد، لهذا جدّم حضرت حسام السلطنه رحمه الله علیه را مأمور فارس فرموده که فرمانفرما را

نگذارد به عیش و نوش رفته مالوجهات را ارباب قلم از میان بزنند و اگر تکاهل کند، به عنف دریافت شود. حسب الامر خاقان محصلان شاهزادگان را به طرف فارس راهی نموده و چون آن دو شاهزاده به خاک فارس رسیدند، خبر ناگوار مرگ پدر شنیدند. فرمانفرما به فارس و حسام السلطنه به عراق عود نمودند. و در موضع دیگر چنین گوید: «و در همین سال شاهزاده محمدتقی پسر خاقان که جد مادری مورخ است، شرارت از شاهزاده محمود نموده، صد و بیست هزار تومان نقد پیشکش نموده ...»

با این حال، از نام و نشان مادرش بی خبریم. تنها خبری که از مادرش داریم، یک موضع از کتاب، آنجا که از میرزا عباس ایروانی (میرزا آقاسی) و طریقه ترقی و تقرّب وی صحبت می کند، موضوع املاک مادرش را به میان می کشد که قرائت آن خالی از فایده نیست. «در این سنه مرحوم حاجی میرزا آقاسی ایروانی وزیر ایران در خدمت حضرت نایب السلطنه مشرف جسته بر تعلیم امیرزادگان ثلث مرحوم فریدون میرزای فرمانفرما و مرحوم جهانگیر میرزا و نواب والا معزالذوله بهرام میرزا که الیوم که روز شانزدهم ربیع الاول سنه هزار و دویست و نود و هشت است، در دارالخلافه سالم و مشغول امر وزارت عدلیه می باشند، مأمور گردید و چون مشارّ الیه در عهد شاهنشاه مغفور محمدشاه قاجار به مدارج ترقیات اعلا جسته، تاریخ حالات او را نوشت که خواننده را اعتباری افزاید. اصل آن جناب از شهر ایروان من توابع چخورسعد است. مردی باسواد و خوش خط و با مزه و صورتاً و سیرتاً مضحک و عالم فنون دنیاداری و سرسر کار و کم آزار و دیوانه وضع و سخی بود. در اوایل حال معلّم اولاد محمدخان سردار ایروانی شده، بعد از مدتی به خانه خدا مشرف شده و از آنجا به عتبات عالیات رفته، در آنجا در خدمت حاجی ملا عبدالصمد همدانی رسیده در زمره تلامیذ آن جناب می بود. بعد از واقعه هایله وهابی و قتل حاج مرحوم محض اخلاص عیال آن جناب را به همدان آورده شرط مردم بجای آورده، به علاوه مسلک ظاهری به طریقه سیر و سلوک کوشیده ارادات به آن مرحوم داشت و از همدان با موی پریشان و درویشان به دارالسلطنه تبریز

آمده چون اهل ایران با این گونه لباس و این گونه اشخاص میل قلبی دارند و اعتقادشان این است که بعضی از این مردم مالک کنوز ارضی و مستجاب الدعوه و فعال ما یشاء می باشند، چنانچه به هرکه خواهند سلطنت دهند و به هرکه خواهند وزارت و گرفتن جن و پری و ساختن اکسیر و زر جعفری ادنی مرتبه ایشان است و اکثر شخص عارف هندی یا سیاه حبشی باشد، در انظار مطلوب تر است و این عجب است که همه بزرگان و صاحب سوادان بدین درد مبتلا و مرشدی و پیری و مرادی علی حده دارند و متکرین را سفیه و بی دین و کافر و فرنگی می پندارند. الحاصل حاج مزبور را در معبری سید جلیل میرزا عیسی وزیر فراهانی که خالی از درد دین نبود دیده چون او هم طالب مجهول بود، او را به منزل آورده دید مردی است مصاحب و یاسواد. در اصلاح حالش کوشید و لباس درویشی را منع نموده به لباس ملا متلبس گردید. به معلمی ولدش الحاج میرزا موسی خان گذاشت و به توسط میرزا بزرگ گاهی خدمت نائب السلطنه می رسید و معروف شده بود و بعد از فوت میرزا بزرگ وزیر آذربایجان دو میان پسران آن جناب میرزا ابوالقاسم و میرزا موسی خان در سر شغلی خطیر وزارت مشارعه نمودند کار به کدورت کشیده و میرزا ابوالقاسم ولدش که اعجوبه دهر و در زبان و بیان و بیان مادر عصر بود. در شغل وزارت مسلط گردیده و با بستگان و محرکین برادر کوچک کم لطف شده و خمیرمایه فساد حاج مزبور را دانسته کمر عداوت او را بسته، دشمنی از آن وقت در میان آن دو بزرگ محکم گردید، تا شد آنچه شد و قائم مقام در خیل گریزانیدن حاج مزبور افتاد. چون مومی إليه در همان اوقات هم میل به قراء و قنوات و آبادانی داشت، در این مدت قلیل در قریتین گروس و قراآغاج من محال ترمه در شش فرسخی تبریز است، علاقه پیدا کرده بود، سیصد تومان باقی به پای حاجی کشیده محصل شدید بر سر او گذاشته مطالبه وجه مزبور را می نمودند. حاج حیلست که محصل را رشوتی مسرعاً به خوی رفته در ظل حمایت امیرخان سردار قاجار دولو خال شاهنشاه زاده ستوده خصال خزید، چون میان خان حاکم و قائم مقام وزیر هیچ وقت صفایی نبود و حاج فراری مرد حراف و گستاخی و مضمون گو بود، در

مجلس خان قاجار راه یافته مدت دو سال در خوی راهی می‌رفت که نایب‌السلطنه در سفر مزبور او را به معلّمی امیرزادگان برقرار نمود و کم‌کم با شاه مرحوم رابطه یافته، چنانچه در نوبت سلطنت آن سلطان بایمان به شغل وزارت رسید و تا شاه مرحوم در حیوة بودند، به منصب مزبور قیام می‌نمود و یکهزار و یکصد و هفده پارچه ملک از قراء و مزارع و باغات و قنوات به موجب ثبت دفتری و قبالة شرعی در مدت دراز خریده و به سلطان زمان ناصرالدین‌شاه قاجار خَلَّدَ اللهُ مُلْكُهُ حَبْهُ شرعی نمود و از آن جمله است همین قریتین گروس و قراآغاج که حال خالصه دیوان و ملک‌ی پس معتبر است و این بنده را در ضمن این تاریخ دادخواهی به خاطر آمد و آن این است که والده فقیر رحمته الله علیها را قریه زرخرید بود در محل ورامین ری: یکی موسوم به عباس‌آباد و یکی موسوم به قنبرآباد. اتفاقاً از گردش فلکی قنبرآباد را به حاج مزبور فروخته حاج مزبور خوش معامله‌گی کرده تنخواه قریه مزبور را به آن مرحومه داد و بعد از مدتی بر حسب لزوم به ولایت تبریز آمده ساکن شدند. چون ملک‌داری در آن زمان مشکل بود و سه‌دانگ قریه مزبوره هم خالصه پادشاهی بود و شراکت رعیت با سلطان جهان با بعد مسافت محال، لهذا والدهام رحمت الله علیها وکیل‌ی مشخص کردند که ملک مزبور را به حاج وزیر بفروشد. قبالة علماء طهران مزین شد و صیغه خوانده شد، ولی ابراز اخذ ثمن نشده قبالة مزبور در دست وکیل مانده حاج محض ناخوشی شاهنشاه دین‌پناه تعلّل در دادن تنخواه می‌نمود که به ناگاه قضیه هائله فوت شاهی اتفاق افتاد، سلطان زمان به جوار رحمت ایزد منان خرامیده، جناب حاج از حرکات ناشایست جماعت ماکویی و ایروانی که در ایام وزارت او که نسبت به اهل عراق شده بود، مخوف گشته به بقعه مبارکه عبدالعظیم فرار کرده از آنجا به عتبات عالیات رفته مرحوم شد و قریه مزبور را میرزا ابوالحسن‌سامی محض خیانت ذات جزو ملک آن مرحوم قلمداد کرده میرزا اتقی‌خان وزیر فراهانی ضبط کرده. ده پانزده قریه به همین طور ضبط دیوان شد. از ما گذشت و از میرزای مزبور هم آنطور گذشت، **الالعة الله علی الظالمین.**